



تغییر عجیب حمید هیراد

تازه‌ترین کنسرت حمید هیراد خواننده موسیقی پاپ در حالی برگزار شد که این خواننده با شکل و شمایل متفاوت‌تر از اجراهای قبلی اش روی صحنه رفت. هیراد که در ماه‌های اخیر با انتقادات و اتهامات گوناگونی مواجه بود، در کنسرت اخیرش با سر و شکل و ظاهر متفاوتی روی صحنه رفت و اجرایش را با اتفاق ویژه‌ای آغاز کرد؛ که از سوی مخاطبان هم مورد استقبال قرار گرفت. این خواننده با پنج نوازنده دف و چهار تن با لباس سفید بلند سماع گران روی صحنه آمد و قطعه «کو به کو آمده‌ام» را با دف‌نوازی و رقص سماع اجرا کرد. در کنسرت آخر حمید هیراد قطعاتی چون «مستم کن»، «عشقی»، «بی تاب»، «تیمه جان»، «معشوقه»، «دلارام»، «انفرادی»، «بارون» و «هل هله» اجرا شدند.

خشایار اعتمادی، دلتنگی‌ها و انتقاداتش از اتمسفر موسیقی کشور

خوشحالم که در این هوای آلوده نفس نمی کشم

در این شرایط بیمار همان دور نشستن بهتر است فضایی که در آن نفس می کشیم لیاقت من و امثال من را ندارد

پولاد امین ادر اواسط دهه هفتاد، حوالی سال ۷۶، ببینندگان تلویزیون به‌ناگاه با اتفاقی روبه‌رو شدند که در باورشان نمی‌گنجید. این اتفاق چیزی نبود جز پخش یک ترانه پاپ؛ با شعری از احمد شاملوی بزرگ و صدای خواننده‌ای که بسیار یادآور صدای یکی از خوانندگان این آب و خاک بود؛ شباهتی چنان غریب که حتی شایع شد که فلان خواننده به ایران بازگشته و تویبه کرده و صداسوسیماهم به پاس این اتفاق صدای او را پخش کرده‌است. حالا بیست و چند سال از آن روزگار می‌گذرد. صاحب آن صدا که در کوتاه‌زمانی ستاره شد و درخشید و یکی از نام‌های محبوب و معتبر موسیقی پاپ ایران شد، خشایار اعتمادی است. کسی که او را خواننده نخستین آلبوم موسیقی پاپ بعد از انقلاب ایران می‌دانند. دانش آموخته رشته اقتصاد بازرگانی؛ در پنجمین دهه زندگی‌اش با چندین و چند آلبوم و ده‌ها قطعه موسیقی گوناگون موقعیت و جایگاه غیطره‌انگیزی در تاریخ موسیقی پاپ بعد از انقلاب ایران دارد، با این که این روزها به تبع شرایط ناسامان موسیقی ایران حضور چندان پررنگی در بازار موسیقی ندارد. خشایار اعتمادی که در ۲۵ سالگی با خواننده ترانه «بارون» با شعری از شاملو به شهرت رسید؛ تاکنون اجراهای زیادی داشته و در سه جشنواره شرکت کرده که از جمله آنها می‌توان به جشنواره پاپ و دو جشنواره بین‌المللی در ایران و جشنواره بین‌المللی موسیقی مسلمانان ساریو WOM.F اشاره کرد که در این فستیوال‌ها جوایزی هم به دست آورده‌است. اعتمادی که همین اواخر درباره حضور کمرنگش گفته بود که «به‌خاسته مخاطبان امروزی موسیقی پاپ احترام می‌گذارم و سعی می‌کنم در فضایی مشغول به کار شوم که مخاطبان خاص شنونده آن هستند» از وضع حال موسیقی ایران گلهمند است. او با وجود انتشار آهنگ‌های پر تعداد، معتقد است که «به دلیل سیکل بسیار پر عیبی که در معرفی آثار موسیقایی وجود دارد، انتشار این کارها فقط برای من هزینه داشته‌است». خشایار اعتمادی بازار موسیقی امروز را هم پر از ابهام می‌داند که «اصلا مشخص نیست چه اتفاقی در آینده می‌افتد». اومی گوید: «من هم دوست ندارم خواننده‌ای باشم که از ذهن مخاطبان فراموش می‌شود. دوست دارم کنسرت برگزار کنم و اتفاقاً در یکی دو سال اخیر اقداماتی انجام داده‌ام، اما وقتی دیدم شرایط برگزاری کنسرت هم برای من و هم برای اسپانسر مناسب نیست، مردد شدم. وقتی کنسرت‌های با کیفیت جای خود را به اجراهایی داده که مخاطب در آن فقط حرکات نمایشی، نور، جیغ، فریاد و صدای بیرون آمده از لپ‌تاپ می‌بیند و می‌شنود، پس دیگر جایی برای من و امثال من وجود ندارد. اینها دردهای بسیار عمیقی است که بعد می‌دانم کسی به فکر التیام آنها باشد.» در گفت‌وگویی که در پی می‌آید، خشایار اعتمادی درباره فضای امروز موسیقی ایران حرف زده‌است. گفته‌هایی سرشار از نگرانی...



تلویزیون هم که چنین شرایطی دارد، نه؟ این که درست است، اما مهم‌تر از آن این است که در تمام جوامع تلویزیون بهترین فضایی برای تبلیغ آثار موسیقی است، اما ما از این امکان محرومیم.

• یعنی همه چیز تبلیغ است؟
 هم بله و هم نه. فقط از نظر تبلیغ تجاری کار این موضوع را نگفتم. فراموش نکنید که موسیقی و در کل تمام کارهای هنری، پیش از این که فرد ستاره شود، درآمد زیادی ندارد و جوانی که سراغ هنر می‌رود، بیشتر جویای نام است. حالا وقتی قسمت اعظم خوانندگان را تلویزیون نشان نمی‌دهد و همه چیز در اختیار چند چهره معدود است، آیا انگیزه‌ای می‌ماند؟ نبود کپی‌رایت و دائلود غیر مجاز و... این حرفه را از نظر مالی داغون کرده، حالا اگر نام و نشان این کار را هم از دست بگیریم، دیگر چه می‌ماند؟

البته خیلی‌ها در فضای مجازی یک امپراتوری برای خودشان راه انداخته‌اند و ادا و اطوارهایشان بیشتر از سوپرستارهای هالیوودی است.

من با آنها کاری ندارم. آنها از قبیل همان به اصطلاح خواننده‌های هستند که تهیه‌کننده‌اش پیش چشم مطبوعات و رسانه‌ها فتاری باهانش کرد که حیرت‌انگیز بود و جناب خواننده هم با پررویی ایستاد و تماشايش کرد و شاید هم تشویقش کرد. خوب معلوم است که در چنین فضایی برای کسی چون من کار نباشد. من به چنین افرادی اجازه نمی‌دهم. پیش پای من بایستند، چه رسد به این که چنان رفتاری بامن داشته باشند.

دوره‌ای که شما، حوالی سال ۷۶ گل کردید، یادتان است؟ آیا واقعا باور می‌کردید که اوضاع در دو دهه به این جابرسد؟

اگر می‌دانستم که اوضاع این‌گونه می‌شود که با آن امیدواری وارد عرصه نمی‌شدیم، آن سال‌ها یک امیدوی در من بود که آینده را روشن‌تر و سفیدتر می‌دیدم. اگر چه فضای سیاسی جامعه مه‌الود بود و معلوم نبود آینده به کجا می‌رود، اما در همان شرایط هم آدم‌های خود را بارور می‌دیدم.

شما نخستین نسل خوانندگان پاپ بودید. می‌توانید درباره روندی که باعث شد موسیقی پاپ شکل گرفته و رشد کند، حرف بزنید؟

من نه درباره آن روند که درباره خودم حرف می‌زنم. سال ۷۲-۷۳ یاد است که موسیقی پاپ در سکوت مطلق بود. **• و شما وارد میدان شدید.**
 خیلی سخت بود. همان حوالی ۷۳ بود که با کسانی چون فواد حجازی حرکت را آغاز کردیم. یادم است روی غزلی از حافظ بود. ما با یک اثری عظیم خودتکیخته وارد میدان شده بودیم. من، فواد حجازی، علیرضا عصار، شادمهر عقیلی و مجید رضانده.

نسل قدرتمندی بود و همه در زمان خودشان دیده شدند.

بله؛ البته موانع همچنان وجود داشت. مثلا یادم است که کارهایم را در رادیو پخش نکردند. اما در ارشاد مدیران دلسوزی بودند که سعی می‌کردند به دردموسی پی‌ببخورند. اما امروز، نه همه چیز در پول خلاصه می‌شود. در افرادی که همه فضاهارا در اختیار دارند. البته همان‌گونه که گفتم اگر بنا را بر فضایی بگیریم که در حال حاضر در آن نفس می‌کشیم، من خیلی خیلی خوشحالم که در این وادی که لیاقت آثار من و امثال من را ندارد، حضور پررنگی ندارم.

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، و... باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه‌رو کند.

فکر کنیم که یک‌سری عوامل و عناصر در کنار هم و با اثر متقابلی که روی هم گذاشته‌اند، شرایطی چنین نابسامان را حاصل آورده‌اند.

• مثلا؟
 مثلاً نبود کپی‌رایت. مثلاً کم‌دانشی و البته کم‌توانی یا ناتوانی بخش خصوصی در موسیقی. مثلاً سیطره یک گروه انگشت‌شمار بر کل بازار موسیقی.

به خصوص کپی‌رایت که شاید بشود آن را عامل اصلی تیراژهای پایین آلبوم‌ها دانست.

از این هم بیشتر. در مورد تک‌آهنگ‌ها هم این قضیه وجود دارد، البته به حدی مورد آلبوم نیست. الان به دلیل نبود قانون کپی‌رایت، شما هر کاری با هر کیفیتی و با صرف هر هزینه‌ای تولید کنید و به بازار بدهید، در یک چشم به هم‌زدن می‌بینید که آلبوم‌تان در این سایت‌های دائلود غیر مجاز دست‌به‌دست می‌شود و کاری هم از کسی بر نمی‌آید.

در این زمینه مخاطبان خواننده‌ها هم کم تقصیر ندارند، نه؟

قطعاً. مردم اگر حمایت نکنند، حتی اگر هم حمایت نمی‌کنند، این نکته را قبول کنند که دزدی آهنگ چندان فرقی با دزدی‌های دیگر ندارد - چون این هم سرمایه و انرژی و زحمات افرادی است که به تاراج می‌رود - در صدز یادی از معضل دائلودهای غیر مجاز حل خواهد شد. این جاست که حرفی را که قبلاً هم زده بودم، یکبار دیگر تکرار می‌کنم که مخاطبی که ادعا دارد هنرمندی را دوست دارد و در عین حال می‌رود و اثر او را دائلود می‌کند، باید به این علاقه شک کرد. این دوست‌داشتن نیست. خیانت است و در میان مدت خواننده را زمین می‌زند.

آقای اعتمادی؛ وقتی با کسانی که آهنگ‌ها را از مراکز دائلود غیر مجاز به‌دست می‌آورند، حرف می‌زنیم، می‌گویند که کارها کیفیت لازم را ندارد و ارزش این که آدم پایش پول بدهد، ندارد.

خب در مورد کیفیت کارها که من خودم بارها و بارها اعتراض کرده‌ام، اما این نافی مسئولیت افرادی که حقی خواننده و هنرمند را نادیده می‌گیرند، نیست. انگار شما در بازار در مورد یک جنس بی کیفیت، مثلاً یک سلولار بدرنگ این حق را برای خودت قایل باشی که آن را بخری. می‌شود؟ معلوم است که نه.

پس این را قبول دارید که کیفیت کارها ضعیف است؟

حتماً. این را که بارها گفته‌ام، حتی به شوخی می‌گویم که آلبوم‌هایی که تولید می‌شود، همان بهتر که تولید نشود.

چرا این جوری شده اوضاع؟ همه چیز به سیاست‌های کلان بازمی‌گردد. می‌بینیم که کل بازار موسیقی در دست یک عده انگشت‌شمار است و آنها هستند که این هنر و صنعت را می‌چرخانند. افرادی که هم در نهادهای دولتی دست دارند، هم سال‌های کنسرت را در اختیار دارند، هم فضای رسانه‌ای را دست گرفته‌اند و هم از هر جنبه‌ای که نگاه کنی، دست بالا را دارند. اینها به چنان قدرتی رسیده‌اند که هر کسی را، با هر کیفیتی، دلشان بخواهد بالا می‌برند. پرزنت‌شان می‌کنند، کنسرت‌های پشتر هم برایشان می‌گذارند و هر کاری که برای مطرح کردن خواننده‌ای لازم باشد، انجام می‌دهند. این یعنی یک بازار ناسالم؛ که حتی اگر هم بدبینانه نخواهیم بگویم که در پی اهداف یک عده خاصی شکل گرفته، اما این را ناچاریم بگویم که با سلبیقه‌آن عده حرکت می‌کند.

کپی‌رایت و البته فرهنگ اجتماعی که مرده‌ش سخت‌شان است برای دیدن و شنیدن آثار هنری دست در جیب کنند و پول ببر دارند. در چنین شرایطی با هر نوع نگاهی می‌توان به این نتیجه رسید که انتشار آلبوم چیزی جز دور ریختن پول و سرمایه نیست.

بله؛ اتفاقاً در همین روزهای اخیر یکی از تهیه‌کنندگان موسیقی آمار ناراحت‌کننده‌ای ارایه داد و گفت که فروش فیزیکی آلبوم‌ها، حتی آلبوم‌های خوانندگان مطرح و شناخته‌شده به حول و حوش هزار نسخه رسیده‌است.

می‌بینید! آفتاب آمد دلیل آفتاب. وقتی کارها فروش نمی‌رود، برای هنرمند دلیل و انگیزی نمی‌ماند جز کناره‌گیری - و تازه اگر مثل من پوست کلفت باشم، بیرون نشستن و منتظر فرصت مناسب برای حضور دوباره ماندن و به همان حضور گهگاهی قناعت کردن.

می‌توانید دلیل این شرایط را تحلیل کنید؟

خب، این جور موقعیت‌ها و شرایط یک دلیل مشخص و منحصر به فرد ندارد که به آن اشاره کرد و تمام. وقتی شرایطی چون موقعیت امروز بازار موسیقی پیش می‌آید، طبیعی است

برای امسال چه کاری آماده توزیع دارید؟

امسال هنوز کاری را شروع نکرده‌ام و فکر نمی‌کنم که برای ادامه سال هم برنامه خاصی داشته باشم.

اینها که گفتید همه‌شان تک‌آهنگ بودند. آلبوم چه برنامه‌ای در این زمینه ندارید؟

آلبوم که به هیچ وجه؛ اصلاً. اصلاً نمی‌خواهم و البته منطقی هم نیست که این روزها آلبوم بیرون بدهیم.

کنسرت هم نخواهید داشت؟

همه اینها به شرایط پیش‌رو بستگی دارد. در زمینه کنسرت تاکنون که اتفاقی نیفتاده و برنامه‌ای چیده نشده است. البته یک‌سری حرف‌ها هست که احتمالاً تا یک ماه و نهایت تا یک ماهه منم دیگر مشخص خواهد شد.

می‌توانید روشن و صریح توضیح دهید که چرا این قاطعیت از منطقی و ممکن نبودن تولید آلبوم حرف می‌زنید؟

قربونت برم؛ یک آلبوم خوب، اگر بخواهید از شعر و آهنگ خوب و نوازندگان در دست‌وحسابی و حرفه‌ای استفاده کنید، بین سیصد تا چهارصد میلیون تومان هزینه دارد. حالا این هزینه‌های بالا را بگذارید کنار عواملی مانند نبودن قانون

آقای اعتمادی عزیز؛ چند وقتی است که خبری از شما نیست؛ نه آلبومی نه کنسرتی.

اوضاع موسیقی این روزهاست دیگر. شرایط جوری است که چاره‌ای نمی‌ماند جز در حاشیه ماندن.

خب، حضور بهترین راه برای تغییر دادن شرایط نیست؟

وقتی نشود کار خوب ارایه داد، نه به‌هر حال، هم من از خودم توقعاتی دارم و هم مخاطب، بنابراین در این شرایط بیمار، چون نمی‌شود این توقعات را پاسخ داد، پس همان دور نشستن بهتر است.

این که انرژی‌تان را بیشتر بر انتشار تک‌آهنگ متمرکز کرده‌اید، به این دلیل است؟

خب، در شرایط فعلی تنها راه است برای حضور در فضای موسیقی و نفس کشیدن در این هوا - که آلوده است، اما به هر روی ندیای ماست دیگر.

می‌توانید بگویید در ماه‌های آتی مخاطبان هواداران‌تان انتظار چه اتفاقاتی را باید از شما داشته باشند؟

من سال گذشته چهار تراک کار کردم که منتشر هم شدند.

ستاره‌های دهه هفتاد موسیقی پاپ چه می‌کنند؟

اواسط دهه هفتاد موسیقی پاپ چون سبیلی فضای گرفته و رخت‌زده موسیقی ایران را تغییر داد؛ سبیلی که ستاره‌های خود را ساخت و موسیقی بعد از انقلاب را به دو دوره کاملاً متفاوت و مجزا تقسیم کرد.

در نگاهی گذرا به آن دوره نام ستارگانی چون شادمهر عقیلی، خشایار اعتمادی، علی‌رضا عصار، محمد اصفهانی، قاسم افشار، حسین زمان، مانی رهنما، فواد حجازی (با این که خواننده نبود)، امیر کریمی و چند تن دیگر چون نیما مسیحا و حمید حامی به ذهن می‌رسد. ستارگانی که بعضی مهاجرت کردند و برخی نیز در گذر زمان رنگ باختند و کمرنگ شدند و امروز در معادلات موسیقی حضور چندانی ندارند. آن چه در ادامه می‌آید، آخرین فعالیت‌های ستارگان دهه هفتاد است.

علی‌رضا عصار؛ ستاره متفاوت موسیقی پاپ که یاد و خاطره همکاری‌هایش با فواد حجازی در آلبوم‌های کوچ عاشقانه، ای عاشقان و حال من بی تو از ذهن نمی‌رود و در سال‌های اخیر جز آلبوم جز عشق نمی‌خواهم که در آذر ماه ۹۶ منتشر شد، فعالیت دیگری نداشته است. در اوایل دهه نود هم این خواننده با آلبوم محتسب فضای موسیقی را تحت تاثیر قرار



می‌رقصم را منتشر کرده است. این در حالی است که رهنما در سال‌های اوجش تنها در سه سال آلبوم‌های مرسدس، فصل پرواز، اعتراض، بغض، آخرین غزل و ترموم شد ترانه را به بازار داده بود.

حمید حامی؛ حامی نیز از نسل اول موسیقی پاپ ماست. خواننده‌ای با صدا و سلیقه‌ای متفاوت که با موسیقی فیلم‌هایی مانند سسام و نرگس و گل یخ جلوه کرد و در همان سال‌ها آلبوم‌هایی چون قبیله عشق، حامی ۷۹، دونیمه رؤیا، بوی گندم و فقط نگاه می‌کنم را به بازار عرضه کرد.

حمید حامی که در سال‌های اخیر نوازی از شرایط حاکم بر موسیقی به گلایه‌های رسانه‌ای پسند کرده، آخرین بار در سال ۱۳۹۲ با آلبوم به لحظه عاشق شو در بازار موسیقی حاضر بوده است.

قاسم افشار؛ یکی دیگر از محبوب‌های دهه هفتاد که البته شباهت صدایش به یکی از خوانندگان قبل از انقلاب هم در شناخته‌شدنش بی تاثیر نبود، قاسم افشار است که او هم در سال‌های اخیر کمر تنگ بوده است. او که زمانی در فاصله سال ۷۷ تا ۸۰ آلبوم‌های پرشماری چون فصل آشنایی، نازنین، خواب‌گره‌ها، قرمز ته، بغض، امیر و کوپور را به بازار عرضه کرده بود، از سال ۸۳ که آلبوم بازیگر را منتشر کرد، به این سو آلبوم جدیدی منتشر نکرده و حضورش منحصر به تک آهنگ‌های گاه‌به‌گاه و گفت‌وگوهای مطبوعاتی بوده است.

مانی رهنما؛ خواننده‌ای که با قطعه مرسدس در سال ۷۶ چهره شد - و پیش از آن در دوره داوری مسعود کیمیایی بر بخش مسابقه پاپ جشنواره موسیقی فجر عنوان برترین خواننده را به‌دست آورده بود - در سال‌های اخیر تنها و تنها آلبوم با خودم

داده بود. عصار در زمینه کنسرت نیز در سال‌های اخیر چندان پرکار نبوده و هوادارانش این روزها تشنه یک کار جدید از او هستند.

محمد اصفهانی؛ جدیدترین حضور محمد اصفهانی حضور در برنامه عصر جدید و تعلیم خوانندگان شرکت‌کننده در این برنامه است. او البته تک‌آهنگ‌های زیادی در این سال‌ها منتشر کرده و تیتراژهای پر تعدادی را خوانده است. محمد اصفهانی اما در زمینه آلبوم‌دان در سال‌های اخیر کم‌کار بوده است. او که زمانی با آلبوم‌هایی همچون حسرت، تنها ماندم، نون و دل‌تک، برکت و چند آلبوم دیگر تا اوایل دهه نود جزو محبوب‌ها و پرفروش‌ها بود، در دهه نود تنها آلبوم شکوه را منتشر کرده که آلبومی ۵ قطعه‌ای به سفارش «موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)» با موضوعیت «هشتاد سال دفاع مقدس» است.